

۱۳۴۶۰۲۴

کتابخانه عمومی مسجد اعظم قم

کتابخانه عمومی مسجد اعظم قم

کتابخانه عمومی مسجد اعظم قم

کتابخانه عمومی مسجد اعظم قم

فهرست مطالب

سکونالیزم در نگاه عقل و دین

کتابخانه عمومی مسجد اعظم قم

کتابخانه عمومی مسجد اعظم قم

۱۷.....

۱۸.....

۱۹.....

۲۰.....

۲۱.....

۲۲.....

۲۳.....

۲۴.....

۲۵.....

دکتر عزیزالله ساری

سرشناسه: سالاری، عزیزالله، ۱۳۴۰-

عنوان و نام پدیدآور: سکولاریزم در نگاه عقل و دین / عزیزالله سالاری.

مشخصات نشر: تهران: آوین نگار، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۰۵-۲-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص ۱۴۷.

یادداشت: نمایه.

موضوع: دنیوی‌گرایی

موضوع: عقل و انسان

ردنلدی کسره: ۸۱۳۹۴ ص ۱۶ س / ۸ / ۲۷۴۷ BL

رده بندن دیب: ۲۱/۶۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵ ۳۶۶۹

نام کتاب: سکولاریزم در نگاه عقل و دین

مؤلف: دکتر عزیزالله سالاری

ناشر: آوین نگار

صفحه‌آرایی: زیباکتاب

خوشنویس: احسان رضا قایقی

طراح جلد: کمال سالاری

تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

قطع: رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۰۵-۲-۰

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	دیباچه
۱۷	فصل اول: سکولار، سکولاریزم، تاریخ آن
۱۸	گفتار (۱)
۱۸	سکولار و سکولاریزم
۲۰	سکولاریزاسیون
۲۲	سکولاریزم و لائیک
۲۴	معانی اصطلاحی سکولاریزم
۲۶	تاریخچه سکولاریزم
۲۹	زمینه و عوامل پیدایی سکولاریزم در جهان مسیحیت
۳۳	عامل بیرونی: نوزایی حیات فرهنگی (رنسانس) غرب
۳۷	زمینه پیدایش سکولاریزم در جوامع اسلامی
	مقایسه زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری سکولاریزم در مسیحیت و
۴۷	اسلام

فصل دوم: مبانی، جلوه ها و گرایش های سکولاریزم ۵۳

گفتار (۱) ۵۴

مبانی سکولاریزم ۵۴

نکته ۶۹

مردم سالاری دینی ۷۳

ناسازگاری اخلاق دینی با اخلاق نسبی ۷۵

گفتار (۲) ۸۰

جای ها و گرایش ها ۸۰

جلوه های سکولاریزم ۸۰

دین در نگاه سکولاریزم ۸۱

گرایش های سکولاریزم ۸۴

فصل سوم: آراء و نظریه های سکولاریسم در باب جداانگاری دین و دنیا... ۸۷

گفتار (۱) ۸۸

یورگن هابرماس (۱۹۲۹ م) ۸۸

گفتار (۲) ۹۳

مهندس مهدی بازرگان (۱۳۷۳-۱۲۸۶) ۹۳

دیدگاه مهندس بازرگان ۹۴

دلایل تفکیک دین و سیاست از نظر مهندس بازرگان ۹۸

بررسی و نقد: ۱۰۱

گفتار (۳) ۱۱۹

دکتر عبدالکریم سروش (۱۳۲۴) ۱۱۹

- ۱- مدیریت فقهی مخصوص جوامع ساده و تحول نیافته: ۱۱۹
- ۲- سیاست عالمانه و تصرفات مدبرانه: ۱۲۰
- ۳- انسان مُحَقَّق است نه مکلف: ۱۲۱
- ۴- دین، نه برای قانون اجتماعی: ۱۲۱
- ۵- دین برای سعادت اخروی: ۱۲۲
- پاسخ به اشکال اول: ۱۲۳
- پاسخ اشکال دوم: ۱۲۴
- پاسخ به اشکال سوم: ۱۲۹
- پاسخ اشکال چهارم: ۱۳۴
- پاسخ به اشکال پنجم: ۱۳۵
- گفتار (۴) ۱۳۹
- علی عبدالرزاق (۱۹۶۶-۱۸۸۸) ۱۳۹
- ۱- بی تفاوتی دین نسبت به دریت و آیین کشورداری: ۱۳۹
- ۲- هدف پیامبران ارتباط با دل‌ها و افلاک روح‌هاست: ۱۴۰
- ۳- اقتدار پیامبر ﷺ، قدسی بود نه سیاسی و حکومتی: ۱۴۱
- ۴- جهاد و توسل به شمشیر از سوی پیامبر ﷺ برای ته‌کیل حکومت بود، نه لازمه ابلاغ رسالتش: ۱۴۲
- ۷- حکومت و سیاست، به عهده عقل است نه دین: ۱۴۷
- نقد دیدگاه علی عبدالرزاق ۱۴۸
- گفتار (۵) ۱۵۷
- محمد سعید عثماوی (۲۰۱۳-۱۹۳۲): ۱۵۷
- پاسخ به محمد سعید عثماوی: ۱۶۲

پاسخ پایانی به سکولارها	۱۶۸
فصل چهارم: حق یا باطل بودن قیام و انقلاب در عصر غیبت	۱۶۹
بیان مسأله	۱۷۲
مقصود امام صادق علیه السلام از احادیث ضد قیام	۱۷۳
استلال بایسته بودن قیام در روزگار غیبت	۱۷۸
۱- نگارنوحیدی	۱۷۸
۲- ام به معرعه و نبی از منکر	۱۷۹
۳- اقامه رسطرعدا	۱۸۱
۴- عهد خدا با المان	۱۸۲
۵- عاشورایی زیستن	۱۸۳
نکته:	۱۸۶
۶- جهاد دفاعی	۱۸۹
۷- پیش‌گویی نهضت‌هایی مقبول پیش از عصر ظهور	۱۹۱
فصل پنجم: رسانه دینی و رسانه سکولار	۱۹۷
کتاب‌نامه	۲۰۹
نمایه‌نامه ها	۲۱۹

رابطه دین و دنیا، تعیین قلمرو هریک از آنها از گفتمان‌های ژرف و گسترده‌ای است که هم در کلام جدید و هم در فلسفه دین، جایگاه ویژه‌ای دارد. نیاز به چنین گفت‌وگویی در روزگار نوپدید که روزگار دانش و فناوری است و معادلات دنیا، قانون‌مندی آن هم پیچیده‌تر شده، بیش از پیش احساس می‌شود. در این میان، رنج برای پندارند که در عصر نوین، با درخشش علم و فناوری، بدیل و جایگزینی برای دین کشف گردیده و دیگر زندگی بشر از پای بندی به معارف دینی به سوی پای بندی به معارف علمی و عقلانی رهنمون شده است. آنان به پندار نامه سازگاری میان علم و دین، دست علم را به نشانه پیروزی و چیرگی، بر فراز کشته دانش و نیاز و وابستگی به دین را یا کم‌رنگ و محصور به زندگی فردی دانستند. بر این پایه که از بن باطل و بی‌اساس پنداشتند. از این رو علمانیت بر زندگی دین باورن‌سایه گسترانید و در روندی قداست زدا، خدای جدیدی به نام علم میدان دار همه عرصه‌ها شد و مسلک سیانتیسم (اصالت علم تجربی) شکل گرفت. بارخ نمودن این آیین، بشریت دل و دیده خود را به زندگانی علمی دوخت؛ نه به حیات دینی و ایمانی. با این وصف، علم و عقلانیت یکه‌تاز میدان زندگی شد و دین و مذهب - جز در حوزه حیات فردی - رخت برپست و

تاریخ اثرگذاری و کارکرد آن به سرآمد. پس مدیریت، حکومت، قانون، اخلاق، فرهنگ و سنن و مسائلی از این دست، به رنگ علم و عقلانیت ابزاری درآمد و بشر در چنبره استغنائی علمی گرفتار گشت؛ تا از این رهگذر به دین و باورهای مذهبی پشت کند و یا حداکثر در ارتباطات فردیت فرد با خدا محصور سازد (سکولاریزم SECULARISM).

پاره‌ای از اندیشمندان، دین و ایمان و گرایش به آخرت را یا کنار نهادند و یا به حاشیه راندند و تنها بر زندگی این جهانی و ساز و کار آن پای فشردند. با این روش، دنیاگرایی یا علمانیت، محور اندیشه و عمل آدمیان شد و جداانگاری بین دنیا یا مسلک گیتیانه در ذهن و ضمیر آنان نقش بست. پس انتظار، که بشر از دین در ساحت‌های گوناگون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، نیایی و اخروی داشت، به شکل یک انتظاری بی‌جا و ناب‌خردانه از سرآمد این گونه که امور مربوط به معیشت، حکومت و سیاست و دیگر مسائل این جهانی از قلمرو دین خارج شد و به قلمرو علم و عقل ابزاری به منت. این اندیشه، موجب لاغر شدن پیکر دین و ناکار پنداشتن آن در حوزه معیشت شد. آری، چنین فرایندی در دامان و سامان مسیحیت و جوامع غربی، آن هم پس از رخداد رنسانس پدیدار شد؛ ولی پاره‌ای از اندیشه و دین مسلمان، چه ناصواب به ماندسازی امت اسلامی با جوامع مسیحی غرب پرداختند و نتیجه‌ای همانند آن گرفتند.

در دوران معاصر، اندیشمندان شیعی چون سید جمال الدین اسدآبادی، میرزای شیرازی، شیخ فضل الله نوری، آیت الله سید عبد الله بهبهانی، آیت الله سید محمد طباطبایی، آیت الله سید حسن مدرس، آیت الله العظمی

سید حسین بروجردی، آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و روحانیان مبارزی چون شیخ محمد رضا خیابانی، ثقة الاسلام تبریزی، میرزا کوچک خان جنگلی، سید مجتبی نواب صفوی و نیز بیدارگرانی مانند دکتر علی شریعتی، جلال آل احمد، علامه محمد رضا حکیمی، و سرآمد همه آن بزرگان، حضرت امام خمینی ره، به عینیت، در آمیختگی و دست کم تلازم، سیاست با دین معتقد بوده و خلاصه همگی بر نادرستی و ناسنجیده بودن، خولاریزم، دیدگاهی یگانه داشته اند.

از جهان سبز، هم بزرگانی مانند شیخ محمد عبده، رشید رضا، عبدالرحمن کرکی، عم مختار، حسن البنا، علامه محمد اقبال لاهوری، شیخ سلیم بشری، شیخ محمد شلتوت، سید قطب، راشد الغنوشی و... همه بر سیاسی بودن اسلام و هم اندیش هستند. علامه شهید مطهری درباره زندگی، اندیشه سید جمال - که سراسر عین سیاست و مبارزه بود - می نویسد:

«بدون تردید سلسله جنبان نهضت های اسلامی صد ساله اخیر، سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی است. او بود که بیدارسازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد، دردهای اجتماعی مسلمانان را با واقع بینی خاصی بازگو نمود؛ راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد... نهضت سید جمال هم فکری بود و هم اجتماعی. او می خواست رستخیزان هم در اندیشه مسلمانان به وجود آورد و هم در نظامات زندگی آنها.^۱»

علامه اقبال لاهوری که سخت شیفته شخصیت فلسفی و سیاسی سید جمال^۲ بود، چه زیبا از حکومت، قدرت و سیاست می گوید:

۱- نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، صص ۱۴ و ۱۵

۲- اقبال شخصیت سید جمال را این گونه در بیداری مسلمانان مؤثر می داند: «وظیفه ای که



سزاین فرمان حق دانی که چیست	زیستن اندر خطرهای زندگی است
شرع می خواهد که چون آبی به جنگ	شعله گردی، و اشکافی کام سنگ
شارع آیین شناس خوب و زشت	بهرتو این نسخه قدرت نوشت
هست دین مصطفی دین حیات	شرع او تفسیر آیین حیات
تا شعار مصطفی از دست رفت	قوم را رمز بقا از دست رفت

«حسن البنا» مؤسس جمعیت اخوان المسلمین مصر و مصلح بیدارگر مصر می گوید: «این دریافت که اسلام دینی سیاسی و اجتماعی است، برداشته شد، شخصی، خودسرانه و هولناک نیست؛ بلکه فهمی مستند و متکی به کتاب خدا، رسوله رسول خدا و تجربه عملی مسلمانان در صدر اسلام است.»^۲

امام خمینی - پیشوا و پیر بزرگ ترین انقلاب در تاریخ اسلام و شاید جهان - در این باره چنین می فرماید:

«اسلام مکتبی است که بر خلاف مکتب های غیرتوحیدی، در تمام شؤون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی، فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت دارد و از هیچ نکته ولو بسیا ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است و

مسلمان این زمان در پیش دارد، بسیار سنگین است. باید بی آن که تسلل داشته باشد از اجابت خود را با گذشته قطع کند، از نو در کل دستگاه مسلمانی بیندیشد... آن کس که کاملاً به اهمیت و عظمت این وظیفه متوجه شده، و بصیرت عمیق در تاریخ و اندیشه حیات اسلامی همراه با وسعت نظر حاصل از تجربه وسیع مردم و اخلاق و آداب ایشان، او را حلقه اتصال زنده ای میان گذشته و آینده ساخته، جمال الدین اسدآبادی (افغانی) بوده است. نک: لاهوری، اقبال:

«احیای فکر دینی در اسلام» ترجمه احمد آرام، صص ۱۱۲ و ۱۱۳

۱- نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، صص ۱۴ و ۱۵

۲- «رسائل الامام الشهيد، حسن البنا» رساله دعوتنا، ص ۱۸



موانع و مشکلات سرراه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است.^۱

زنده یاد دکتر شریعتی در این باب می گوید:

«چگونه استعمار به دهان ما انداخت که مذهب از زندگی جداست و روشن فکران ما هم طوطی و اربازگو کردند؛ به خیال این که دارند ادای روشن فکران اروپا را در برابر کلیسا در می آورند؛ غافل از این که قیاس مع الفارقند.»^۲
علاوه حکیمی نیز در این باره چنین می نویسد:

«تربیت، دادن خرد است به انسان. سیاست، نظارت بر حرکت انسان است در زندگی. فرصت، امری است که به انسان داده اند برای حرکت. و این فرصت (یعنی فرصت، سیاست و زندگی)، مرکب از دو جریان است، دو جریان تفکیک ناپذیر.

۱- جریان حیات فردی.

۲- جریان حیات اجتماعی.

چون چنین است، اسلام به این هر دو جریان توجه عمیق کرده است، تا هیچ کدام دچار تباهی و فساد و انحطاط نگردند. زیرا که هریک از این دو جریان، دچار تباهی و فساد و انحطاط گردد، آن یکی را نیز به تباهی و فساد و انحطاط خواهد کشانید. اگر جریان حیات فردی فاسد باشد، جریان حیات اجتماعی فاسد خواهد شد. و اگر جریان حیات اجتماعی فاسد باشد، جریان حیات فردی فاسد خواهد گشت.

این است که اسلام، به منظور تصحیح حیات فردی، به امر تربیت می پردازد، و به منظور تصحیح حیات اجتماعی، به امر سیاست. و در این

۱- صحیفه نور، ج ۲۱ ص ۱۷۶

۲- دکتر شریعتی، علی: «مجموعه آثار»، ج ۵، ص ۷۵



زمینه، هم فرد را، و هم اجتماع را، هر دو را، زیردو پوشش حفظ کننده قرار می دهد: فرد را، به عنوان فرد، زیرپوشش تربیت اسلامی قرار می دهد، و به عنوان عضوی از اجتماع، زیرپوشش سیاست اسلامی. و جامعه را، به عنوان جامعه، زیرپوشش سیاست اسلامی قرار می دهد، و به عنوان افراد، زیرپوشش تربیت اسلامی.

با برآن چه یاد شد، در نظام اسلامی، تربیت (رهبری و اداره فرد)، و سیاست (رهبری و اداره اجتماع)، دوشادوش حرکت می کنند، برای ادای «رسالت بزرگ». «اینکون» تربیت اسلامی فرد، مددکار سیاست اسلامی اجتماع است، و سیاست اسلامی اجتماع، مددگار تربیت اسلامی فرد. و اینها همه، مقدمه ارائه «تفسیر بزرگ» است، یعنی: «تفسیر حیات» و «تفسیر زندگی». اسلام، زندگی را، در رابطه با انسان و سعادت، تفسیر می کند: «انسان در مسیر زندگی ناپایدار حرکت می کند، بی به دست آوردن سعادت پایدار و جاوید. این است تفسیر بزرگ.»^۱

براین بنیان، انتظار از دین در یک قرنیت، همه جانبه، عمیق و گسترده است و در دیگری محدود به رابطه فردیت انسان با خدا. در یکی معاش و معاد، مادیت و معنویت، فرد و جامعه، دنیا و آخرت با هم گره خورده و چون تار و پود یک بافت، یگانه اند و در دیگری، همه این موارد دوخانه را جای از هم اند. با پیدایی و پدیداری انقلاب اسلامی ایران، تحولی ژرف رخ داده و گسترده در دیدگاه ها پدید آمد؛ به گونه ای که دین و دولت و نیز هدایت و حکومت دیگر بار در دل ها و دیده ها پیوند خورد و جدایی این دو نهاد، از شگردها و ترفندهای استعمار قلمداد شد. این رخداد سترگ، ماهیتی ایدئولوژیک

داشته و دین را تنها نسخه زندگی ساز و نیز رهایی بخش انسان در ساحت های فردی و اجتماعی دانسته و می داند. همچنین، اداره جامعه را تنها با هدایت، مدیریت و راهبری دینی، موفق می بیند. انقلاب اسلامی، دین را از گوشه غربت و انزوا برون آورد و ساحت سیاست را از محرومیت نسبت به دین نجات داد. رهبر کبیر این انقلاب با قاطعیت و صلابت بر این باور است که:

«والله، اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کردند، سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می گیرد.»^۱

«قرآن کریم رسالت رسول الله ﷺ، آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند، در سیاست چیزه ندارند. بلکه بسیاری از احکام عبادی - سیاسی است که غفلت از آنها، این مصیبت ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت ها، این جهان، لیکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی، و خلفاء اول اسلامی حکومت های وسیع داشته اند و حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام نیز با انگیزه، به طور وسیع تر و گسترده تر، از واضحات تاریخ است.»^۲

با این نگاه، انتظار از دین، قصه دیگری پیدا می کند. انقلاب اسلامی و بعد از آن، حاکمیت اسلامی در یک چالش آشتی ناپذیر با سکولاریسم عربی اندام کرده و روز به روز حقانیت و صداقت خویش را فزون تر به رخ می کشد.

۱۵ در این پژوهش، برآنیم تا دین را از دو نگاه سکولار و ایدئولوژیک، در ترازوی نقد و ارزیابی بگذاریم، تا جامعیت و نیز حکمت و حقیقت آن را که در بردارنده جنبه های مادی و معنوی، فردی و جمعی و دنیایی و اخروی

است، نمایان گردد. افزون بر این، نگرش‌های گونه‌گون دینی و سکولار را دربارهٔ دین، قیام و انقلاب، حکومت و رسانه، به چالش می‌کشیم تا سره از ناسره آشکار و پدیدار شود. گفتنی است که این نوشتار در سال ۱۳۸۴ ساخته و پرداخته شده و اکنون پس از بازنگری و ویرایش و افزایش به چاپ و انتشار سپرده می‌شود؛ تا که قبول کنند و که در نظر آید.

با سپاس - عزیزان سالاری

تهران ۱۳۸۴